

دایره‌های ترس

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

زنان در گفتمان دینی

نصر حامد ابوزید

ترجمه‌ی ادریس امینی

فهرست

- مقدمه مترجم ۹
- درباره ترجمه ۱۳
- مقدمه نویسنده: تلخ‌کامی و مسئولیت ۱۶
- دیباچه: حوا میان دین و اسطوره ۲۳

بخش اول

زنان در گفتمان بحران (۳۱)

- فصل اول: انسان‌شناسی زنان و خدشه‌دار شدن هویت ۳۳
- فصل دوم: گفتمان نوزایش و گفتمان فرقه‌کرا ۵۵
- فصل سوم: فقدان بُعد اجتماعی در گفتمان دینی ۷۲

بخش دوم

قدرت و حقیقت: آرمان‌گرایی متون و بحران واقعیت (۱۱۵)

- پیشگفتار ۱۱۷
- فصل اول: مسلمانان و خطاب الهی: حقوق بشر میان آرمان و واقعیت ۱۲۲
- فصل دوم: حقوق زنان در اسلام: مطالعه‌ای در تاریخ متون ۱۵۷
- فصل سوم: اسلام، دموکراسی و زنان: دایره‌های ترس نزد فاطمه مرنیسی ۲۱۸
- فصل چهارم: زنان و احوال شخصیه: الگوی گفتمان قانون‌گذارانه در تونس ۲۵۰

مقدمه مترجم

ابوزید در مقام یک اندیشمند نظریه‌پرداز در دامنه وسیعی از مهم‌ترین مباحث کلامی، تفسیری، عرفانی، فقهی و ادبی قلم زده و در طرح، نقد، پیدایش و گسترش برخی از مفاهیم بنیادین اندیشه اسلامی معاصر سهیم بوده است. کتاب دایره‌های ترس در نقادی فهم رایج از مسائل مختلف زنان، عرصه تازه‌ای گشوده است. این کتاب، هم نسبت و ارتباط تنگاتنگ سنت الهیاتی پیشا اسلامی و تصورات اسطوره‌ای با تفسیر مردسالارانه قرآن را می‌کاود، هم از ربط و نسبت انسان‌شناسی زنان، جنسیت‌زدگی و مردگرایی مفرط زنان عربی با درجه‌بندی‌های ارزش‌گذارانه، غیریت‌سازی‌های زبانی و دوگانه‌سازی‌های نهفته در بطن آن زبان سخن می‌گوید و هم بازگشت ممنوعیت‌های اسطوره‌ای در جهان معاصر را به بحث می‌گذارد، همچنین از زمان‌پریشی و شبیه‌سازی‌های تاریخی و غبارآلود کردن فضای فهم دینی به منظور رهاسازی وجه مردانه آن تا فقدان بُعد اجتماعی در گفتمان دینی و مشروعیت‌بخشی دینی به نابرابری جنسیتی تا معنای انسان در سنت الهیاتی، تفسیری، کلامی و فلسفی اسلامی تا آرمان‌گرایی متون دینی و بحران واقعیت و تا حقوق زنان، همه و همه را واکاوی می‌کند.

دایره‌های ترس از منظری تازه و با رویکرد و نگرشی جدید، نسبت مسائل زنان با متن مقدس را واکاوی، بازخوانی و بازفهمی می‌کند. به بیان خود نویسنده این کتاب بیش از آنکه حامل پاسخی نهایی به پرسش‌های طرح‌شده باشد حاوی طرح مسأله در باب مسائل مبتلا به امروز زنان در جهان اسلام به منظور تأمل، تحرک و تشویق به یافتن پاسخ است. باز این کتاب به تعبیر خود نویسنده، جهدی کوچک در جهاد بزرگ فهم دین است که نویسنده از طریق آن می‌خواهد حساسیت خود را به مسائل مطروحه نشان دهد و حساسیت خواننده را نیز برانگیزد. طبیعی است که برخی از آن مسائل به دلیل تعلق و اختصاص به جامعه عربی در جامعه ما

صادق و واجد مدخلیت نباشند چرا که به اقتضای شرایط دینی و فرهنگی آن دیار، نگارش شده‌اند و تطبیق عینی آن‌ها بر جامعه ما نارواست.

آرای ابوزید عاری از کاستی نیست و همان اندازه محتاج نقد است که آرای دیگران. می‌توان در هر موضوع با ابوزید موافق یا مخالف بود اما اقتضای حق‌طلبی آن نیست که تنها در صورت موافقت، آرای نویسنده‌ای تأثیرگذار ترجمه و منتقل شود. ترجمه کتاب هم لزوماً به معنای همدلی مترجم با آرای مطرح‌شده در آن نیست. ممکن است تعارض اقوال، سقم ادعا و ضعف استدلال در این کتاب یافت شود چنان‌که عملاً نیز چنین است؛ اما به منظور پرهیز از مغالطه و بدفهمی در عرصه داوری باید با عصای احتیاط قدم برداشت. کشف، تصحیح و تنقیح مدعیات و گزاره‌های سست و نامنسجم و جرح و تعدیل و حک و اصلاح و قوام‌بخشی به آن‌ها، مستلزم فهم متأملانه، اعتقاد به تنوع و تکثر فهم‌ها و اجتناب از ظاهرینسی و انگیزه‌خوانی است. نویسنده با تنبه به اینکه هرکس مسائل زنان را در هر چارچوب فکری‌ای که از پیش دارد، بازتعریف می‌کند، در فصل اول از بخش اول همین کتاب می‌نویسد: «ما باید در این مقام پاره‌ای توهمات ایدئولوژیک درباره وضعیت فرودست زنان در گفتار قرآن را که خصوصاً به مسأله نصف بودن ارث زنان استناد می‌کنند، از میان ببریم زیرا ملاک ارزش‌گذاری، باید "وضعیت" و موقعیت زنان در جامعه قبل از نزول وحی باشد نه صرفاً مقایسه گفتار قرآن با خواسته‌های مشروع ما برای موقعیت زنان». در ادامه می‌گوید: «این آگاهی که گفتار قرآن عرضه می‌کرد، نخست در عرصه سیاسی و سپس در حوزه اندیشه دینی و تمام فرهنگ عربی با آگاهی موجود در زبان، وارد پیکار بس بغرنج و پیچیده‌ای شد. به میزانی که کفه نبرد به سمت آگاهی جدید سنگینی می‌کرد وضعیت زنان بالیدن می‌گرفت. وقتی هم کفه ترازو به سمت آگاهی سنتی و ارزش‌های بسته و قبیله‌ای آن کج می‌شد وضعیت زنان رو به انحطاط می‌رفت». این عبارات که نظیر آنها را در همه کتاب‌های ابوزید و به خصوص در کتاب کنونی، فراوان می‌توان یافت، نشان می‌دهد که با نویسنده باید مواجهه معرفتی کرد و از پیش داوری و انگیزه‌خوانی اجتناب ورزید. باری، در اندیشه ابوزید باید بحث و فحص کرد و صحت و سقم و کمال و نقص آن را واکاوی و صادقانه و صمیمانه در پی تصحیح خطای آن برآمد و در عین حال دعوت او به تعقل آزادانه در امر دین، جسارت پرسش‌گری و دوری از خشک‌اندیشی و قشری‌گری را ستود. دعوت او به وانهادن امور به عقل جمعی، نبرد جسورانه و فارغ از تأویل و توجیه ایدئولوژیک با فساد و استبداد فکری - معرفتی در جهان عربی، و در عین حال امداری نقادانه و تکیه عالمانه بر سنت، نقش چشمگیری در باروری ادبیات دینی چند دهه اخیر داشته

است. ادبیات دینی هم، از تشریح، تبیین، نقادی و ایجاد فضای دیالوگ نیست و فراز و فرود آن متأثر از فراز و فرود این است. نه از آرای ابوزید باید پروا و واژه داشت نه از نقد آرای وی و بلکه باید به استقبال هر دو شتافت. مباحث این کتاب نیز محتاج تأمین چنین فضایی است و به جد، درخور نقد و نظر مجدانه صاحب‌نظران است و تنها با کوشش و اهتمام و اعتنای آنان قوام و کمال می‌پذیرد.